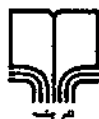


نظیره‌های غنایی منظوم

شامل: هشت بهشت، جمشید و خورشید، همای و همایون،
یوسف و زلیخا و فرهاد و شیرین

دکتر سید مرتضی میرهاشمی



سرشناسه: میرهاشمی، مرتضی - ۱۳۳۷
عنوان و نام پدیدآور: نظیره‌های غنایی منظوم شامل: هشت بهشت، جمشید
و خورشید، همای و همایون، یوسف و زلیخا، فرهاد و شیرین / تألیف
مرتضی میرهاشمی

مشخصات نشر: تهران، نشرچشمه، ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری: ۳۲۲ ص.

شابک: 978-600-229-097-7

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: واژه‌نامه

یادداشت: نمایه

موضوع: منظومه‌های عاشقانه -- مجموعه‌ها

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰، ۹۵۶ م / PIR۴۰۶۸

رده‌بندی دیوین: ۸۵۱ / ۶۲۰۰۸۳۵۲۳

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۲۴۹۳۳۱۰

رده‌بندی نشرچشمه: ادبیات - متون منظوم کهن

نظیره‌های غنایی منظوم

شامل: هشت بهشت، جمشید و خورشید، همای و همایون،

یوسف و زلیخا و فرهاد و شیرین

دکتر سید مرتضی میرهاشمی

لیتوگرافی: هماگرافیک

چاپ: حیدری

تیراژ: ۱۲۰۰ نسخه

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۰، تهران

۸۰۰۰ توهان

ناظر فنی چاپ: پوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار مخصوص نشرچشمه است.

info@cheshmeh.ir

www.cheshmeh.ir

شابک: ۷-۰۹۷-۲۲۹-۶۰۰-۹۷۸

دفتر مرکزی و فروش نشرچشمه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان بیرونی، خیابان وحید نظری، شماره‌ی ۳۵

تلفن: ۶۶۴۹۲۵۲۴ دورنگار: ۶۶۴۶۱۲۵۵

فروشگاه نشرچشمه: تهران، خیابان کریم‌خان زند، نیش میرزای شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷، تلفن ۸۸۹۰۷/۶۶

فهرست

۱۳	مقدمه
۱۹	بخش اول: هشت بهشت سروده امیر خسرو دهلوی
۲۱	سرآغاز
۲۲	چکیده داستان
۲۲	شخصیت‌های داستان
۲۵	چکیده نخستین افسانه
۲۷	چکیده افسانه دوم
۲۹	چکیده افسانه سوم
۳۱	چکیده افسانه چهارم
۳۴	چکیده افسانه پنجم
۳۷	چکیده افسانه ششم
۴۰	چکیده افسانه هفتم
۴۱	شخصیت‌ها در هفت افسانه
۴۴	داستان هشت بهشت
۴۷	گفتار در آراسته شدن حور قصور این فرادیس پر حور بی قصور
۴۸	نافه گشادن خلق بهرام روز شبه از بهشت دوم
۵۳	کوثر کشیدن بهرام روز یکشنبه در بهشت سوم
۵۹	مجلس آراستن بهرام روز دوشنبه در بهشت چهارم

- گلگشت بهرام روز سه‌شنبه سوی بهشت پنجم..... ۶۳
- عشرت بهرام روز چهارشنبه به بهشت ششم..... ۷۰
- صندلی نهادن بهرام روز پنج‌شنبه در بهشت هفتم..... ۷۷
- معطر کردن بهرام روز آدینه بهشت هشتم را و در گنبد کافوری..... ۸۴
- سرانجام بهرام..... ۸۹
- بخش دوم جمشید و خورشید سروده سلمان ساوجی..... ۹۱
- سرآغاز..... ۹۳
- چکیده داستان جمشید و خورشید..... ۹۴
- شخصیت‌های داستان..... ۹۷
- داستان جمشید و خورشید..... ۱۰۰
- دیدن جمشید خورشید را اندر خواب..... ۱۰۰
- آگاهی فغفور شاه از حال جمشید..... ۱۰۳
- راز گفتن جمشید با پدر و مادر..... ۱۰۴
- از خواب گفتن جمشید با مهرباب..... ۱۰۵
- سفر جمشید به روم..... ۱۰۶
- روان شدن جمشید از ولایت پریان به سوی روم..... ۱۱۰
- گفتگوی جمشید با شمع..... ۱۱۸
- طلب کردن خورشید جمشید را..... ۱۲۴
- باز گفتن خورشید از احوال جمشید به کتایون..... ۱۲۵
- اندرز مهرباب به جمشید..... ۱۲۶
- در بند افتادن خورشید به دستور افسر..... ۱۲۸
- رفتن مهرباب در پی جمشید..... ۱۳۰
- جمشید در درگاه قیصر..... ۱۳۰
- نامه جمشید به خورشید..... ۱۳۱
- رفتن جمشید به دژ خورشید و دیدن او..... ۱۳۳
- آمدن شادیشاه به خواستگاری خورشید..... ۱۳۷
- هنرنمایی جمشید و شادیشاه در حضور خورشید و افسر..... ۱۳۸

فهرست ۷

- بازگشتن شادیشاه به شام ۱۳۹
- لشکر کشیدن جمشید به شام ۱۴۰
- بازگشتن جمشید به روم و دامادی او ۱۴۲
- بخش سوم: همای و همایون سروده خواجوی کرمانی ۱۴۵
- سرآغاز ۱۴۷
- چکیده داستان همای و همایون ۱۴۸
- شخصیت‌های داستان ۱۵۱
- داستان همای و همایون ۱۵۵
- رسیدن شهزاده به باغ بریان و عاشق شدن بر صورت همایون ۱۵۶
- رفتن شاهزاده همای با بهزاد به طلب همایون ۱۵۸
- به پادشاهی نشستن شاهزاده همای به خاور زمین ۱۵۹
- رفتن بهزاد به باغ و عاشق شدن بر آذر افروز ۱۶۰
- عتاب کردن شمس خاوری با آذر افروز ۱۶۱
- رسیدن فهرشاه به نخجیرگاه به خدمت شاهزاده همای ۱۶۳
- دیدن شاهزاده همای همایون را در خواب و روی نهادن به شهر چین ۱۶۴
- رفتن همای به زرینه دز و کشتن زند جادو ۱۶۶
- سخن گفتن پری زاد با همایون و وصف جمال شاهزاده همای ۱۶۸
- رفتن شاهزاده همای به بارگاه فغفور و دیدن همایون ۱۶۹
- گفتگوی شاهزاده همای با شمع و گریستن او ۱۷۱
- روی آوردن همای به بارگاه فغفور و رسیدن به کوکبه همایون ۱۷۱
- رفتن همای با فغفور به نخجیر و بازگشتن او برای دیدن همایون ۱۷۲
- رفتن همای از قصر همایون و گرفتار شدن در بند فغفور ۱۷۴
- نالیدن همای و وصف درازی و تیرگی شب ۱۷۵
- رهایی همای از بند به دست سمن رخ دختر سهیل جهانسوز ۱۷۶
- آمدن همای به پای قصر همایون و گفتگو با او ۱۷۷
- پاسخ همایون به همای ۱۷۷
- پاسخ همای به همایون ۱۷۸

- ۱۷۸ پاسخ دادن همایون همای را
- ۱۸۰ بازگشتن همای ازکنار قصر همایون
- ۱۸۰ خطاب کردن همای با ابرو طیره شدن با برف و باد
- ۱۸۱ پشیمان شدن همایون و رفتن در پی همای
- ۱۸۲ مناظره همایون با همای
- ۱۸۳ جنگیدن همایون با همای
- ۱۸۴ رسیدن فخر شاه و بهزاد با لشکر خاور به شاهزاده همای و همایون
- ۱۸۵ نامه همای به فغفور چین
- ۱۸۶ پاسخ نامه فغفور به شاهزاده همای به طریق مکر و حیل
- ۱۸۷ بردن همای همایون را به شهر چین
- ۱۸۸ ناپدید شدن همایون و بی قراری همای
- ۱۸۹ به رسالت فرستادن همای باد صبا را به نزد همایون
- ۱۹۰ نهان کردن فغفور همایون را و خیر دروغین مرگ او
- ۱۹۲ عاشق شدن فرینوش بر پری زاد و آشکار کردن حال همایون
- ۱۹۳ رسیدن بهزاد و فرینوش به کاروان و آگاهی از حال همای
- ۱۹۵ جنگ کردن همای با فغفور و کشته شدن فغفور
- ۱۹۶ نشستن همای بر تخت فغفور چین
- ۱۹۷ رفتن همای و همایون به سمن زار نوشاب و بزم آراستن در فصل بهار
- ۱۹۸ آوردن مهد همایون از سمن زار نوشاب و عقد بستن با او
- ۱۹۹ بخشیدن ملک فغفور به فرینوش
- ۲۰۰ عروسی کردن آذر افروز با بهزاد و شمس خاوری یا فخرشاه
- ۲۰۰ بازآمدن همای و همایون به شام و پادشاهی و مرگ همای
- ۲۰۳ بخش چهارم: یوسف و زلیخا سروده عبدالرحمن جامی
- ۲۰۵ سرآغاز
- ۲۰۵ چکیده داستان یوسف و زلیخا
- ۲۰۹ شخصیت‌های داستان
- ۲۱۴ داستان یوسف و زلیخا

داستان شمع جمال یوسفی در شبستان غیب افروختن	۲۱۴
نهال جمال یوسفی را از بهارستان غیب به باغستان شهادت آوردن	۲۱۵
در صفت و نسب زلیخا	۲۱۷
در نیام منام دیدن زلیخا نوبت اول تیغ آفتاب جمال یوسف را	۲۱۸
وزیدن نسیم سحری بر زلیخا و نرگس خوابناکش را گشادن	۲۱۸
از مشاهده تغییر حال زلیخا گره تحیر به رشته تفکر کنیزان افتادن	۲۱۹
خواب دیدن زلیخا یوسف را علیه السلام نوبت دوم	۲۲۱
به خواب آمدن یوسف علیه السلام زلیخا را نوبت سوم	۲۲۳
آمدن رسولان پادشاهان اطراف غیر از مصر به خواستگاری زلیخا	۲۲۴
فرستادن پدر زلیخا به سوی عزیز مصر و عرض کردن زلیخا را بر وی	۲۲۵
نسیم قبول از جانب مصر وزیدن	۲۲۶
خبر یافتن عزیز مصر از مقدم زلیخا و به عزیمت استقبال برخاستن	۲۲۷
دیدن زلیخا عزیز مصر را از شکاف خیمه	۲۲۸
درآمدن زلیخا همراه عزیز مصر به مصر	۲۲۸
مصریان و طبقهای ثار بر عماری زلیخا افشاندن	۲۲۹
عمر گذرانیدن زلیخا در مفارقت یوسف علیه السلام	۲۲۹
آغاز حسد بردن اخوان و دور انداختن یوسف را علیه السلام از کنعان	۲۳۱
خواب دیدن یوسف علیه السلام که آفتاب و ماه و یازده ستاره وی را سجده می‌برند	۲۳۱
مشورت کردن برادران با یکدیگر در کار یوسف	۲۳۲
رفتن برادران پیش پدر و درخواست کردن برای بردن یوسف به صحرا	۲۳۳
بردن برادران یوسف را علیه السلام از پیش پدر	۲۳۴
رسیدن کاروان به سر چاه و یوسف علیه السلام را بیرون آوردن	۲۳۵
رسیدن زلیخا به درگاه شاه و سبب ازدحام پرسیدن	۲۳۶
به معرض بیع درآوردن مالک یوسف را علیه السلام	۲۳۷
تمنا کردن یوسف علیه السلام شبانی را	۲۳۸
مطالبه کردن زلیخا وصال یوسف را علیه السلام	۲۳۸
پرسیدن دایه از زلیخا سبب گداختن و سوختن وی را	۲۳۹
فرستادن زلیخا دایه را به نزدیک یوسف علیه السلام و مطالبه مقصود	۲۴۰

۲۴۳	تضرع نمودن زلیخا نزد دایه
۲۴۶	یوسف و زلیخا در خانه هفتم و گریختن یوسف از نزد وی
۲۴۹	پیش رسیدن عزیز و سخن زلیخا با او
۲۵۰	گواهی طفل شیرخواره بر پاکی یوسف
۲۵۱	طعنه زدن زنان مصر زلیخا را
۲۵۲	برانگیختن زنان مصر زلیخا را بر زندانی کردن یوسف
۲۵۴	بی‌قراری زلیخا در فراق یوسف
۲۵۵	رفتن زلیخا به همراه دایه به زندان برای دیدن یوسف
۲۵۶	خواب دیدن یاران یوسف و تعبیر خوابشان به وسیله وی
۲۵۷	خواب دیدن سلطان مصر و یاری طلبیدن از یوسف در تعبیر آن
۲۵۹	رهایی یوسف از زندان و مرگ عزیز مصر
۲۶۰	عزیز مصر شدن یوسف
۲۶۱	آمدن زلیخا به سرراه یوسف و ساختن خانه‌ای از نی
۲۶۱	روی گردانی زلیخا از بت و ایمان به خدای یگانه
۲۶۴	پیوند یوسف با زلیخا
۲۶۵	خواب دیدن یوسف علیه‌السلام پدر و مادر خود را
۲۶۶	وفات یوسف و جان دادن زلیخا از اندوه فراق
۲۶۹	بخش پنجم: فرهاد و شیرین سروده وحشی بافقی و وصال شیرازی
۲۷۱	سرآغاز
۲۷۲	چکیده داستان فرهاد و شیرین
۲۷۴	شخصیت‌های داستان
۲۷۵	داستان فرهاد و شیرین
۲۷۵	شیرین در جستجوی جایی دلکش
۲۷۷	رفتن شیرین به اقامتگاه نو
۲۷۸	شیرین در اندیشه ساختن قصری نیکو
۲۸۲	دل بردن شیرین از فرهاد و گفتگوی آن دو
۲۸۵	مأمور شدن فرهاد برای کندن کوه بیستون

فهرست ۱۱

۲۸۶	گفت و گوی شیرین با دایه
۲۸۸	فرهاد در بیستون
۲۸۹	اظهار نمودن شیرین محبت خویش را به فرهاد
۲۹۱	گفت و گوی شیرین با فرهاد
۲۹۳	آگاهی خسرو از کار فرهاد
۲۹۵	نامه شیرین به خسرو و عتاب با او
۳۰۲	کشته شدن فرهاد به حیلۀ خسرو
۳۰۵	واژه‌نامه‌ها
۳۱۱	یادداشت‌ها
۳۱۵	کتابنامه
۳۱۷	نام‌کان و جاها

نظیره‌های داستانی غنایی

مقدمه

نظیره که در لغت به معنی مثل و مانند است، در اصطلاح ادبی به اثری گفته می‌شود که پدیدآورنده آن در خلق و آفرینش اثر خویش به یکی از چهره‌های برجسته پیش از خود و آثار آنان نظر داشته است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که نظیره‌ها آثاری هستند که به تقلید از آثار برجسته متقدم و به سبک و سیاق آنها پدید آمده‌اند. بنابراین هر اثری با هر مضمونی خواه عرفانی، غنایی، تعلیمی و جز آن باشد، چه منظوم و چه مستور، در صورتی که هدف سراینده یا نویسنده آن ایجاد اثری به تقلید از گذشتگان باشد، در ردیف نظیره‌ها جای می‌گیرد. اما آنچه به طور خاص در این کتاب مدنظر ماست دسته‌ای از آثار منظوم داستانی از نوع غنایی و عاشقانه است که به پیروی از داستان‌سرایان پیشین و بالاخص نظامی گنجوی، شاعر پرتوان قرن ششم هجری، سروده شده است.

نظیره‌گویی در ادب فارسی از قرن هفتم هجری آغاز گردیده و در طی چند قرن همواره مورد توجه و اقبال گویندگان آن اعصار قرار داشته است.

دلایل و اسباب چنین توجه گسترده‌ای به پدید آوردن نظیره‌های داستانی هرچه باشد از دو جهت نمی‌توان آن را نادیده گرفت: یکی علاقه اهل زمانه به شنیدن و خواندن چنین داستان‌هایی به زبان عصر خویش و دیگر این که این امر عرصه‌ای برای هنرنمایی گویندگان آن ادوار بوده است تا بدین طریق هنر و توانایی خویش را با چهره‌های نامدار ادبی پیش از خود بسنجند و بکوشند تا مرتبه‌ای والاتر را در میان دیگر شاعران هم عصر

خود برای خویش حاصل کنند.

نظریه‌های داستانی از نوع غنایی و عاشقانه اگرچه از قرن هفتم هجری مجال ظهور در پهنه ادب فارسی را یافته‌اند، اما در برخی دوره‌ها همچون قرن نهم و در پی آن در عصر صفویه بیشتر دیده می‌شود. تاملی در این آثار بیانگر این واقعیت است که هرچه از نخستین نظریه‌ها فاصله می‌گیریم کمتر شاهد یک اثر تقلیدی نسبتاً موفق هستیم. در حقیقت اگر بخواهیم در باب کم و کیف این قبیل آثار شعری اظهار نظر کنیم ناگزیر از بیان این نکته خواهیم بود که: نه تنها تفاوت‌های زیادی میان این آثار چه به لحاظ کمی و چه از نظر میزان موفقیت شاعر در داستان‌سرایی، وجود دارد بلکه گفتنی است که بهترین نظریه‌ها همان‌هایی است که در قرون هفتم و هشتم و نهم و به وسیله گویندگانی چون: امیر خسرو دهلوی، خواجوی کرمانی، سلمان ساوجی و جامی پدید آمده‌اند. بسیاری از نظریه‌هایی که پس از قرن نهم سروده شده‌اند، یعنی در دورانی که شعر و ادب فارسی از نقطه اوج خود روی به سرانجام نهاده و بخصوص در اعصاری که از آن به عنوان عصر ابتدال ادبی یاد می‌شود، از اهمیت و جایگاه مهمی برخوردار نیستند. بدیهی است آثار تقلیدی اگر به کلی از جنبه‌های ابداعی بهره‌مند باشند و از سوی دیگر حاصل فکر و اندیشه کسانی باشند که از مایه‌های ادبی چندانی بهره ندارند، نمی‌توانند مرتبه مهمی را برای خویش حاصل کنند و کسی به خواندن چنین آثاری توجهی نخواهد کرد. شاعران نظریه‌پرداز قرون هفتم تا نهم که در پیش از آنها یاد کردیم هرچند که در سرودن منظومه‌های غنایی خود نظامی گنجوی را الگوی خویش قرار داده‌اند اما آفریننده آثار تقلیدی صرف نیستند و به واسطه قوت طبعی که داشته‌اند غالباً دست به ابداع زده‌اند و رنگ و بویی به آثار خود بخشیده‌اند.

چنانکه پیشتر اشاره کردیم شاعران پس از نظامی در ادوار مختلف کوشیده‌اند به پیروی از خمسه نظامی خمسه‌ای بسرایند و یا اینکه لااقل به برخی از منظومه‌های پنجگانه وی تاسی کرده و به سبک و طریقه آن اثری را خلق کنند. اشاره به بعضی از این نظریه‌ها برای پی بردن به این تلاش مستمر گویندگان ادوار بعد از نظامی نکته‌ای است که نمی‌توان از آن صرف نظر کرد.

امیر خسرو دهلوی در قرن هفتم نخستین شاعری است که علاوه بر پدید آوردن بعضی منظومه‌های داستانی که متأثر از حال و هوای هند است، خمسه‌ای نیز به تقلید از

پنج گنج نظامی ساخت که عبارتند از: مطلع الانوار، شیرین و خسرو، مجنون و لیلی، آینه اسکندری و هشت بهشت.

خواجوی کرمانی از گویندگان توانای قرن هشتم هجری منظومه‌هایی دارد که بعضی از آنها به تقلید و پیروی از نظامی سروده شده همچون: روضه الانوار، همای و همایون و گل و نوروز. در برخی منظومه‌ها نیز خواجو شاهنامه فردوسی را در نظر داشته است همچون: سام‌نامه.

سلمان ساوجی از دیگر گویندگان قرن هشتم مثنوی‌های جمشید و خورشید و فراقنامه را پدید آورد. هرچند به گفته مرحوم ذبیح‌اله صفا جمشید و خورشید داستانی است ابداعی، اما متأثر بودن شاعر از منظومه‌های داستانی پیش از خود به‌خوبی در آن مشهود است و می‌توان افغان کرد که شاعر در کار خود از جمله نظامی را مقتدای خویش قرار داده است.

عصار تبریزی از گویندگان قرن نهم مثنوی دارد که هرچند خود آن را «عشقنامه» نام نهاده بود، اما با توجه به نام قهرمانان اصلی داستان به منظومه «مهر و مشتری» معروف است. شاعر این اثر خود را به تقلید از خسرو و شیرین نظامی سروده است. جامی نام‌آورترین شاعر قرن نهم هجری کتابی دارد که به «هفت اورنگ» مشهور است. این کتاب مجموعه‌ای از مثنوی‌های هفتگانه جامی است که از جمله آنها «یوسف و زلیخا» و «لیلی و مجنون» است که شاعر آنها را به عنوان نظیره‌ای بر خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی ساخته است.

مکتبی شیرازی از دیگر شاعران قرن نهم هم منظومه‌ای با نام لیلی و مجنون دارد که می‌توان آن را نظیره‌ای موفق و نیک بر لیلی و مجنون نظامی دانست. وحشی بافقی در قرن دهم مثنوی‌های ناظر و منظور و فرهاد و شیرین را به عنوان نظیره‌هایی بر مثنوی‌های نظامی پدید آورد. البته فرهاد و شیرین او با فرا رسیدن مرگش ناتمام ماند و بعدها در دوران قاجار وصال شیرازی آن را کامل کرد.

شایان ذکر است که در عصر صفوی شاعران متعددی به نظیره‌گویی روی آوردند و یک یا چند اثر نظامی را الگوی کار خویش قرار دادند.

حتی‌گاه به شاعرانی در آن میان برمی‌خوریم که شیفتگی آنان به نظیره‌سازی سبب شده تا بیش از یک بار به ساختن این گونه منظومه‌ها روی آورند؛ چنانکه

عبدی‌بیک نویدی شیرازی دوبار به ایجاد خمسه به تقلید از نظامی پرداخته و تصمیم داشته که سومین خمسه را نیز پدید آورد که ظاهراً فرصت آن را نیافته است. این اقبالی که به نظیره‌سازی در این دوران دیده می‌شود بی‌تردید چیزی بود که شاعران از طریق آن به نوعی عرض اندام در برابر رقبای خویش دست می‌زده‌اند. به هر حال نظیره‌گویی در این اعصار در غالب مراکز ادبی فارسی رواج داشته و محدود به حوزه‌های ادبی ایران نمی‌شده است و پرداختن به همه این‌گونه آثار در این جا نه ممکن است و نه چندان ضرورت دارد. اشاره به برخی از این نظیره‌ها صرفاً برای نشان دادن اهمیت و رواج آن در این اعصار است. درنگ و تأمل در این نظیره‌های داستانی روشنگر این معناست که شاعران نظیره‌گو در منظومه‌هایی که به تقلید از داستان‌سرایان متقدم پدید آورده‌اند غالباً کوشیده‌اند تا هم از نظر قالب و شکل دنباله‌رو شاعرانی باشند که از آنان اثر پذیرفته‌اند و هم از نظر موضوعاتی که بخش‌های مختلف داستان با آنها شکل می‌گیرند، به مقتدایان خویش نظر داشته‌اند. از این رو چندان دور نمی‌نماید وقتی که می‌بینیم وزن عروضی مثنوی‌هایی از نوع نظیره روی هم رفته همان وزنی است که منظومه‌های داستانی پیشین بر اساس آن پدید آمده است. و سندی دیده می‌شود که مثلاً منظومه‌ای که به تقلید از خسرو و شیرین نظامی گنجوی ساخته شده از بحر عروضی دیگری بهره داشته باشد همچون همای و همایون خواجوی کرمانی که شاعر شاید به جهت نوآوری در آن به جای بحر هزج از بحر مقارب، که بیشتر مناسب منظومه‌های حماسی است، استفاده کرده است.

وجود عناصر مشترکی چون: آرزومندی پادشاهان در داشتن فرزندی که وارث تاج و تخت آنان باشد، تفاوت خاص قهرمانان اصلی داستان‌ها چه از نظر جسمی و چه به لحاظ کسب علم و دانش و مهارت‌ها با همتایان خویش، نامه‌نگاری‌ها میان عاشق و معشوق، گفتگو با عناصر غیرانسانی و گاه غیرذی‌روح و جز آن اگرچه نشان‌دهنده میزان توجه شاعران نظیره‌گو به آثار برجسته پیشین است اما وجود تفاوت‌های چندی در این قبیل آثار یادآور این معناست که گویندگان نظیره‌پرداز تحت تأثیر فرهنگ و آداب و سنن عصر خویش قصه‌های خود را پرداخته‌اند و به عبارت دیگر آن‌ها را متناسب با ذوق مردم زمانه خود عرضه کرده‌اند. از مقایسه این آثار با آثار متقدم به‌خوبی می‌توان بدین معنا و قوف یافت که هرچه به گذشته برمی‌گردیم آثار را برخورداری از رنگی واقع‌گرایانه‌تر

می‌بینیم و هرچه به قرون متأخر و آثار آن می‌نگریم سایه عناصر وهمی و حضور شخصیت‌های غیرواقعی چون دیو و پری را در قصه‌ها پررنگ‌تر می‌بینیم. به عنوان نمونه می‌توان از آثاری چون ویس و رامین یاد کرد که غالباً هم شخصیت‌ها متعلق به عالم واقعند و هم حوادث در فضایی طبیعی و ملموس شکل می‌گیرد. نه از عناصر خیالی و وهمی چون دیو و پری خبری هست و نه از خوارق عادات اثری. در منظومه‌های غنایی نظامی هم اگرچه اغراقی ملایم و نه دور از ذهن غالباً در اغلب موارد سایه افکننده است، اما در اینجا هم همه‌چیز در یک فضای طبیعی جریان پیدا می‌کند. البته برخی از افسانه‌های هفت پیکر از این موضوع مستثنی است که آن هم صرفاً باز می‌گردد به ماهیت قصه‌ها که شاعر از آن به افسانه تعبیر می‌کند و در افسانه‌ها هر امر محالی و هر موجود غیرقابل تصویری می‌تواند نقش داشته باشد.

در دوره‌های بعد و در میان منظومه‌هایی از نوع نظیره‌ها بسیاری از حوادث و نیز شخصیت‌های داستان‌ها به گونه‌ای نشان داده می‌شوند که اعجاب خواننده را برانگیزند. این امر وقتی به خوبی خود را نشان می‌دهد که می‌بینیم شاعر داستان‌سرای عناصری چون دیو و جن و پری را به میان می‌کشد و از طلسم و امثال آن سخن می‌گوید. قهرمانان در چنین فضایی به موجودی بدل می‌شوند که تنها در افسانه‌های عامیانه می‌توان سراغ آنها را گرفت. اگر در منظومه‌های داستانی پیشین دیدن معشوق و یا مشاهده تصویر او و یا شنیدن اوصافش سبب برافروخته شدن آتش عشق و عاشق می‌شد و سپس حوادث داستان در پی این واقعه شکل می‌گرفت، در دسته‌ای از آثار متأخر این امر جای خود را به خواب و رؤیا می‌دهد، چنانکه در داستان جمشید و خورشید سلیمان سواجی جمشید شبی و در پی عشرت و سرور شبانه سرمست و مخمور به خواب می‌رود و در عالم رؤیا چشمانش برجایی نزه و خرم می‌افتد با قصری باشکوه و پری‌رویی که سبب بی‌قراریش می‌شود و او را در پی یافتن آن زیباروی راهی سفری پرحادثه می‌کند. در همای و همایون خواجوی کرمانی نیز شیوه عاشق شدن همای بدین گونه است که روزی در صحراگوری او را به دنبال خود می‌کشد و به قصری زیبا رهنمونش می‌شود که در آنجا نقش پیکری زیبا وجود دارد و دیدن آن نقش سبب بی‌خودی همای از خود می‌شود. وقتی به خود می‌آید نه نشانی از آن بوستان می‌بیند و نه اثری از آن قصر و نقش دلفریبش. تنها چیزی که از آن واقعه مانده دل بی‌قرار همای است که او را در طلب معشوق عازم سفری پر از

حوادث گوناگون می‌کند. وجود تفاوت‌هایی از این دست و تفاوت‌های دیگری که کمابیش میان نظیره‌ها و آثار پیشین دیده می‌شود حاکی از این واقعیت است که داستان‌سرایان هر دوره‌ای متأثر از فضای حاکم بر جامعه و آداب و سنن مردم بوده‌اند و این نکته را همواره در طی پروردن داستان مورد توجه قرار داده‌اند. اما روی هم رفته کوشیده‌اند که از همان قالب و شکل داستان‌سرایان بزرگ تبعیت کنند و همچون آنان به صحنه‌آرایی دست زنند، اما متناسب با ذوق مردم عصر خویش.

آنچه ما را برانگیخت تا به تألیف این مجموعه بپردازیم از یک سو وجود درسی است با عنوان «نظیره‌های داستانی» برای رشته ادبیات داستانی، که رشته‌ای نوظهور در میان رشته‌های تحصیلی دانشگاهی است، و از سوی دیگر برگزیدن و در دسترس قرار دادن چند نظیره‌ها را در میان نظیره‌های داستانی بی‌شمار. بدیهی است نه چنان فرصتی برای کسی پیش خواهد آمد که همه آن منظومه‌های داستانی را بخواند و نه چنین ضرورتی را احساس خواهد کرد. از این رو چه بسا که آن دسته از منظومه‌های درخور توجه نیز از نظر دور ماند. در گزینش منظومه‌های داستانی از نوع نظیره‌ها کوشیده‌ایم تا این آثار هم از شاعران نامی و موفق در عرصه داستان‌سرایی باشد و هم از طرفی تا قرن دهم را در برگیرد. هرچند که هر یک از این شاعران منظومه‌های دیگری هم با مضمون غنایی داشته‌اند اما به لحاظ رعایت حجم کتاب از آوردن همه آنها در این مجموعه صرف‌نظر کردیم و به پنج منظومه بسنده نمودیم.

روش کار ما در این کتاب روی هم رفته همان روشی است که در «منظومه‌های کهن عاشقانه تا قرن ششم» پیش گرفتیم. در خلاصه کردن داستان کوشیده‌ایم به حذف ابیاتی بپردازیم که نادیده گرفتن آنها خللی به پیکره داستان نمی‌رساند امید است که توانسته باشیم آن‌گونه که لازمه کار است این منظومه‌های داستانی را فراوی دیدگان خوانندگان قرار دهیم.

و من الله التوفیق

سید مرتضی میرهاشمی

بهار ۱۳۹۰